

چهره پرداز صحنه

« ... اندیشه بر آن بود که اگر فرصتی دست دهد صحبتی نیز در باب
« صحنه‌سازان بزرگ و برآوازه - داشته باشیم و از این طریق گامی
« در راه شناخت صحنه‌سازی نو برداریم . نتیجه نخستین گام در این راه ،
« مقالی است که در ذیل به خوانندگان ارجمند مجله موسیقی عرضه میشود .
« کار ، زندگی و آثار یکی از شهره‌ترین صحنه‌سازان جهان در این مقال
« باختصار بررسی میشود .
« اینگونه آشنائی‌ها ، در دیارها ، که گامهائی در راه تشکیل اپرای ملی
« برداشته میشود ، همراهی فزون‌تر میتواند عاید کند . باشد که مقبول
« طبع قرار گیرد . » مطالعات فرهنگی

«خ»

رتال جامع علوم انسانی

هنگامی که در دسامبر سال ۱۹۶۰ ، پرده پرشکوه اپرای دولتی وین ،
بخاطر آن که باله «فصول»^۱ اثر «تئودور برگر»^۲ با اجرا درآید ، بی‌الا کشیده
شد ، در برابر چشم تماشاگران هیچ نبود جز صحنه‌ای برهنه و تهی که تنها
قوسی از نور ، چون روزنه‌ای در شب ، بر آن می‌تابید .
در جریان تغییر فصول این دایره نورانی آنچنان لطیف به «بازی رنگ»
پرداخت و آنچنان آتمسفر های مناسب برای هر صحنه ، بوجود آورد که

بینندگان را بشگفتی واداشت . آیا صحنه‌ساز «فصول» کدام مرد پرتجربه و آزموده بود؟ و هنگامی که آنان دانستند که این صحنه‌سازی - و این «رنگ‌بازی» - پرورده دست هنرمندی است که نخستین برنامه‌اش را در اپرای دولتی وین بروی

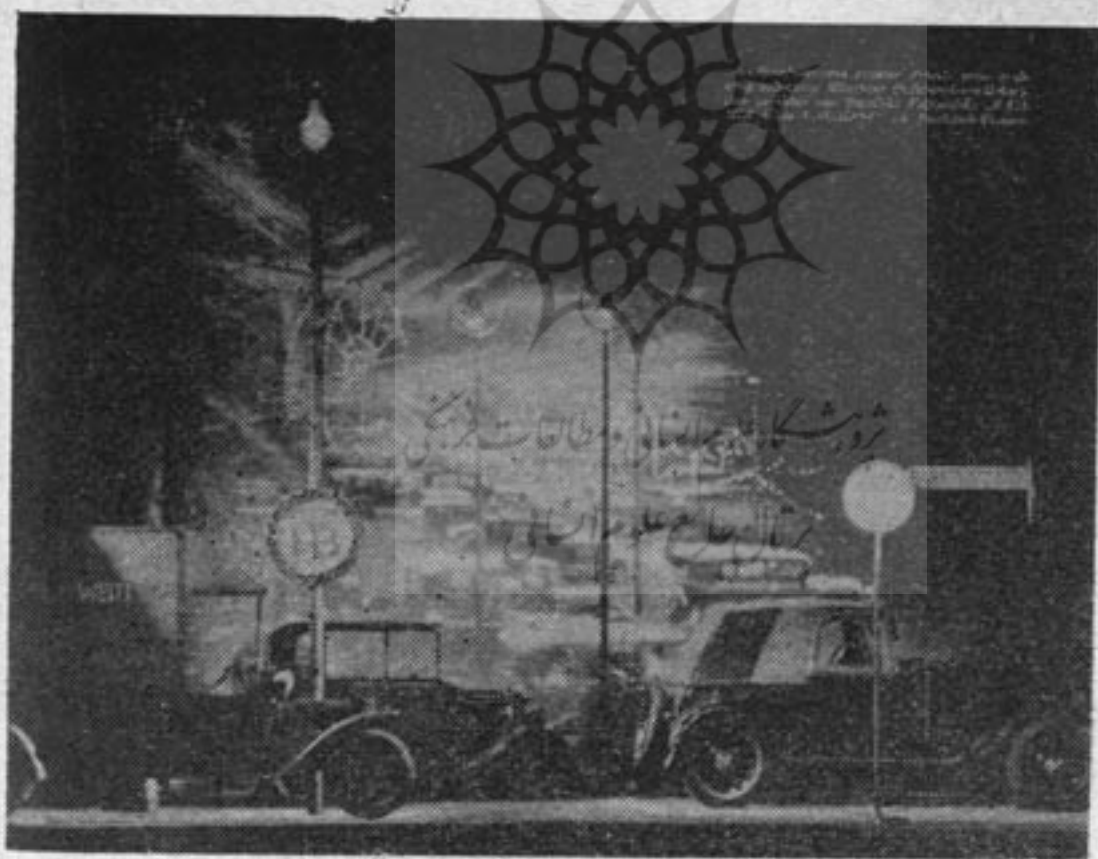


گوتتر شنايدر - زمين

صحنه می‌آورد شگفتی‌شان دوچندان شد و با تحسین در آمیخت . واو دگوتتر

شنايدر - زيمسن^۱ بود.

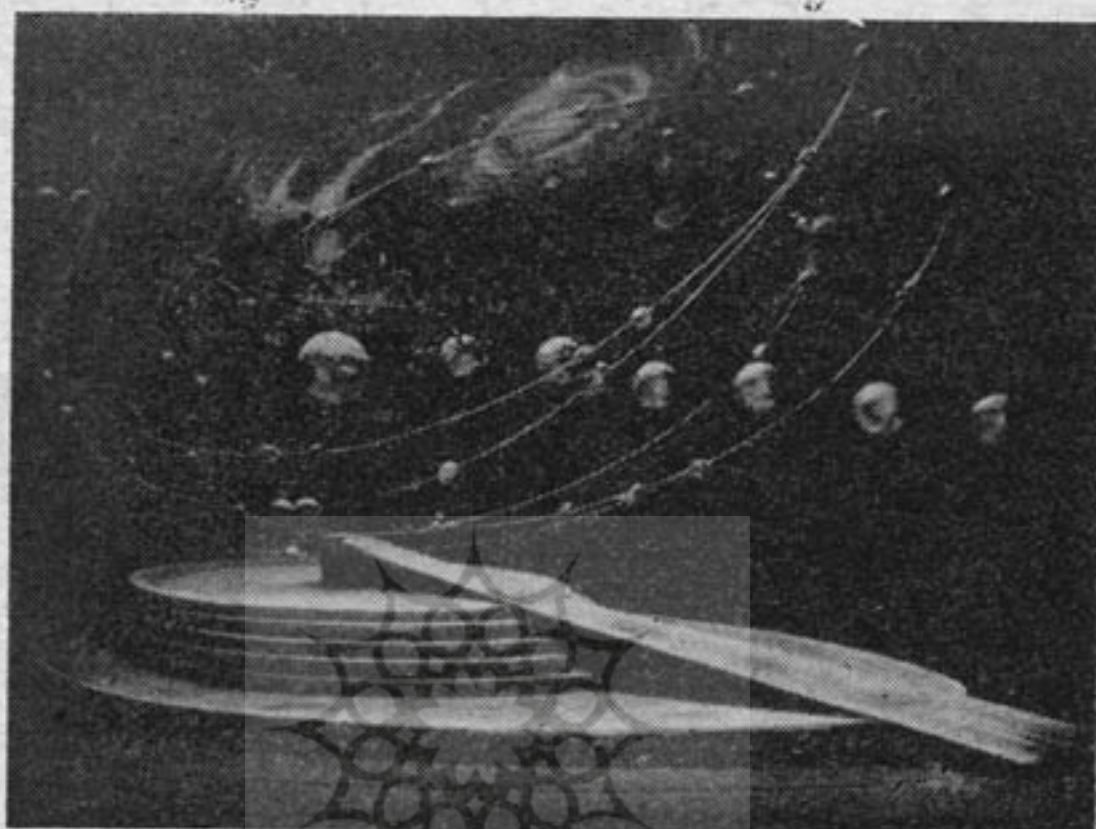
وازان پس وی که «صحنه ساز میهمان» از شهر «برمن»^۲ - آلمان - شناخته
میشد ، از چهره های درخشان در هنر صحنه سازی بشمار رفت و اینک وی و همکار
سوئیس اش : «یورک زیمرمان»^۳ از امیدهای تأثیر-پس برای معاصر بحساب می آیند.
نیروی واقعی «شنايدر زیمسن» را باید در قدرت شگرف وی در شناخت
کامل کاراکترهای اپرایی و تئاتری جستجو کرد . قدرتی آنچنان که بخوبی در
ترجمه و انتقال شخصیت ها به قالب «فرم و رنگ» توفیق می یابد .
وفاداری شنايدر زیمسن به رموز تکنیکی صحنه و نیز - نیروی او در
تطابق و ارتباط این رموز با «موسیقی» علل اساسی موفقیت های شگرف او را
آشکار می سازند .



طراحی دل انگیز برای نمایشنامه « کارپیرو کارولین »

Günther Schneider - Siemssen - ۱
Y. Zimmermann - ۳ Bremen - ۲

«شنايدرزيمسن» اين جوان پرتوان «آوگسبورگر»^۱ (آلمان) در آغاز کار سرگردان مانده بود که در راه صحنه‌سازی گام بردارد و يا «رهبری»^۱ و عاقبت «قلم‌مو» و «رنگ» را بر «چوب‌زهبری» رجحان نهاد.



طرحی پراز توفیق برای «هماهنگی جهان» اثر هیندمیت

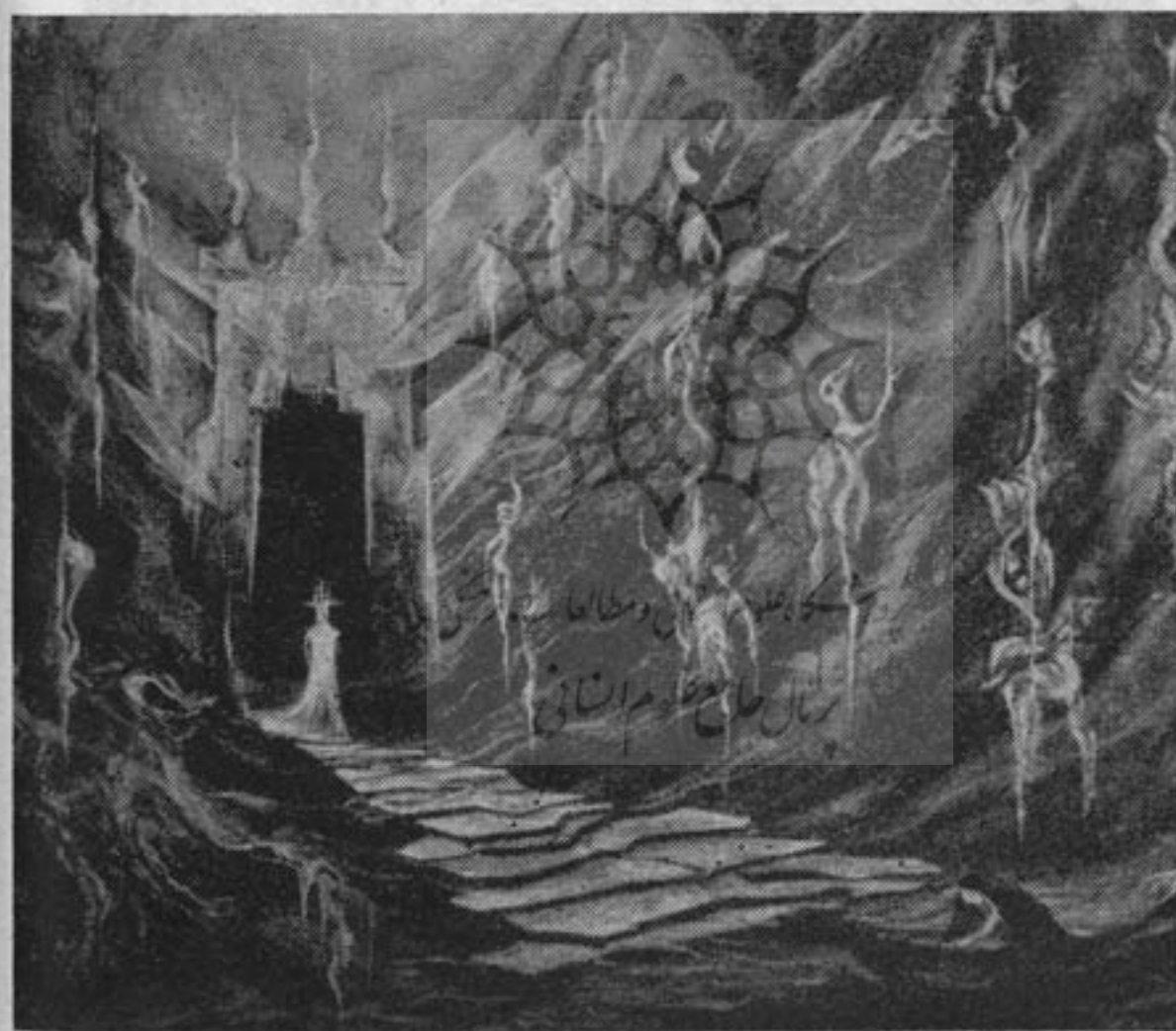
دوره کارآموزی عملی او، بمدت چهار سال، در اپرای دولتی «مونبخ» دوام داشت. پس از پایان آکادمی، نخستین «دست پرورده» او در تئاتر «گرتنرپلاتس»^۲ - «درمونبخ» طی سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۹ بتوالی بروی صحنه آمد. بموازات بروی صحنه آوردن این نخستین اثر، رهبری و اداره صحنه چند برنامه دیگر را نیز برعهده داشت.

بسال ۱۹۵۱ از طرف تئاتری^۳ در مالمبورگ دعوت گردید و در حقیقت برای نخستین بار وی به استخدام يك مؤسسه تئاتری و اپرائی درآمد، و نخستین بار بود که وی میبایست بشکلی مداوم با «رپرتوار» يك «اپراتئاتر» پیش برود

۱ - Augsburg - ۲ - Gartnerplatztheater

۳ - Landestheater

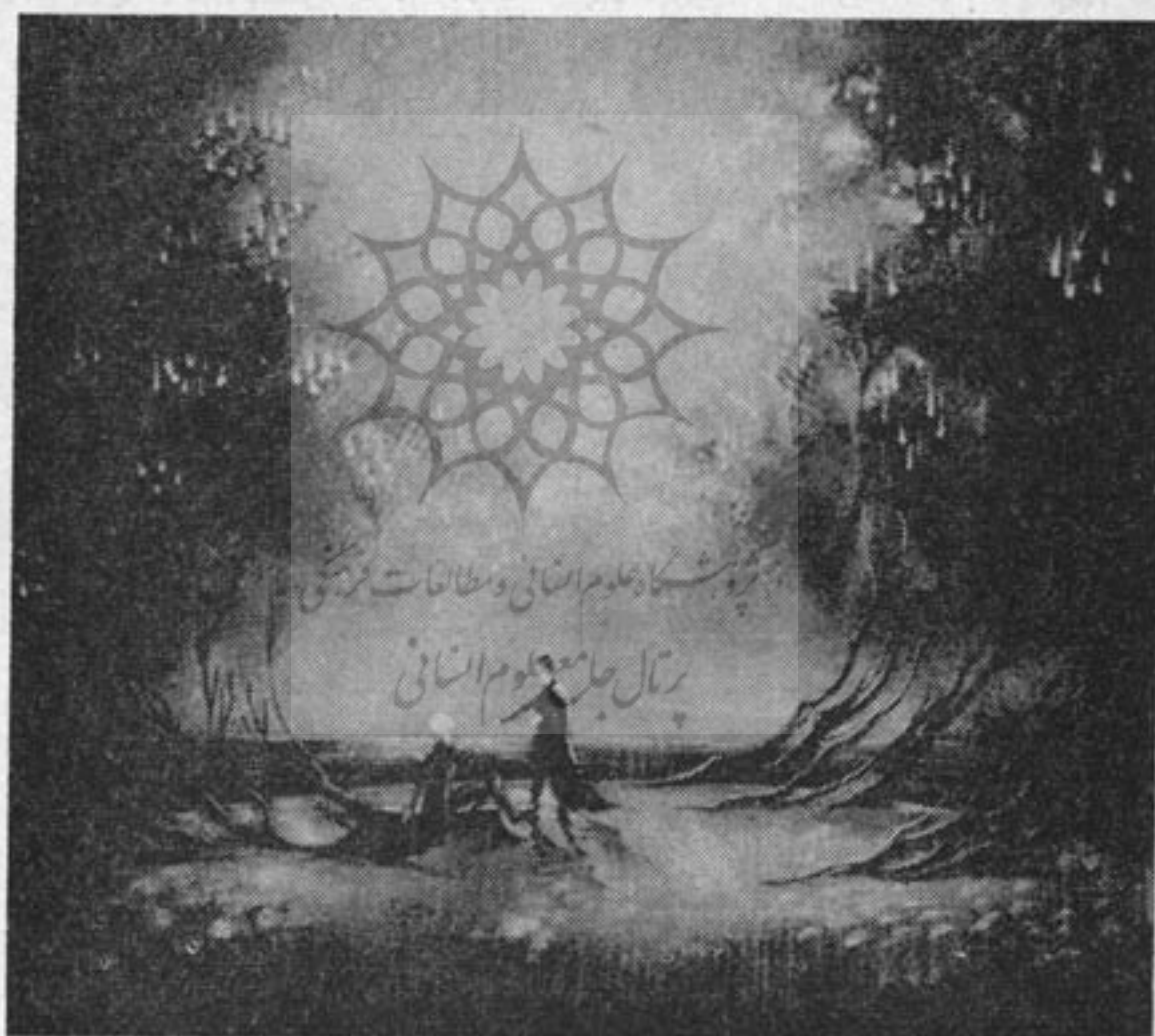
و صحنه‌هایی گونه‌گون بیافرینند. «کنسول» اثر «منوتی»^۱، «بجانب دمشق» از «شتریندبرگ»^۲ و چند اثر جالب دیگر را «شنایدرزیمسن» در مدت نخستین استخدام خود صحنه‌سازی کرد. از همان هنگام تا با امروز رشته‌پر توان پیوندی نیز میان وی و سازمان تئاتری «ماریونت»^۳ - سالسبورگ - بوجود آمده است و غالب «دکور»های این تئاتر دست‌پرورده او است. بسال ۱۹۵۴ به «برمن» رهسپار شد و هشت سال در آن شهر اقامت گزید. و در همین مدت رفته‌رفته مقامی والاتر یافت و راه «صحنه‌ساز» تا «مدیر تهیه» را با موفقیت و سرعت پیمود. و قلمرو کارش از آثار کهن تا باله‌های مدرن، گسترش یافت!



صحنه «معبد ارواح» از «زن بدون سایه»

Strindberg - ۲ J. C. Menotti - ۱
Marionettentheater - ۳

پس از آن، او را در شهرهای شمالی آلمان - از هامبورگ تا دوسلدورف - پذیره شدند و بعد در «سوئیس» بعد در لندن - که در آن دیار با همکاری «یوستینف»^۱ بکار مشغول شد - و بالاخره همانطور که در صدر این مقال آمد، بسال ۱۹۶۰ برای نخستین بار برای صحنه سازی «فصول» اثر «برگر» به اپرای پر آواز و پر شکوه وین راه یافت. در وین با «هربرت فون کارایان» آشنائی بهم زد و همکاری با وی را آغاز نهاد. نخستین کار مشترک این دو، «پلتاس و ملیزانده» اثر «دبوسی» بود، که با توفیقی شگرف رویاروی شد. و از همان زمان طی قراردادی - تا با امروز - شنایدر زیمسن با اپرای وین همکاری خود را ادامه داده است.



پلتاس و ملیزانده

از آثار پر توفیق دیگری که با همکاری «شنایدرزیمسن - کارایان» بروی
صحنه اپرای دولتی وین آمده است، بیش از همه، «فیدلیو» (بتهوون) و «زن
بدون سایه» (ریشار اشتراوس) قابل تذکاراند.

«شنایدر - زیمسن»، دکور بسیار ارزنده و نمونه‌ای برای اجرای
«هارتمن» از «فلوت‌های سحر آمیز» در «تاتروین» تهیه نمود. طرح زیبا و
افسانه‌ای او بر روی «رؤیای شب تابستان» اثر «بنیامین بریتن» با همکاری
کارگردان «دو گلین» در اپرای دولتی وین چیزی نیست که فراموش‌شدنی باشد.
پس از آن برای کارگردان برجسته دیگر «اتوشنک»^۲ - که رشته دوستی و صمیمیت
و همکاری فیما بینشان روز بروز محکم‌تر میشود - صحنه‌های اثر پر از لطف «راول»،
بنام «ساعت اسپانیولی» را خلق نمود، که در اپرای ملی وین بروی صحنه آمد
و استقبال فراوان یافت. در فرانکفورت نیز طرح‌های «شنایدر - زیمسن» که
برای «شوالیه گل سرخ» (اشتراوس) و «خانم کوبولد»^۳ (ویم برگر) آفریده
است هر گز از خاطره‌ها نخواهد رفت. آخرین طرح پراز توفیق وی در سال
گذشته بخاطر نمایشنامه عمیق و با ارزش «کازیمیر و کارولین»^۴ اثر «هورواث»^۵
بود که در تاتر «یوزف اشتتر» در وین بروی صحنه آمد.

دو عامل مهم همواره توفیق فراوان و شگرف آثار شنایدر - زیمسن را
تأمین و تضمین میکنند.

نخستین، گونه‌گونی بیان و پس از آن توانائی بیانی او است. وی با این
طرح خود، حرف تازه‌ای دارد و بشکل تازه‌تری نیز آنرا بیان میکند، بی آنکه
اصالت و جوهر هنری خود را از دست بدهد. آثار قابل ذکر دیگری که با طرح‌ها
و دکورهای شنایدر زیمسن زینت گرفته و بروی صحنه آمده، عبارتند از:
* «پیشرفت شن کش» اثر «استراوینسکی» - در اپرای دولتی وین و
بکارگردانی «اتوشنک».

* «خوانندگان استاد» از «واگنر» با همکاری مجدد «اتوشنک» در اپرای

Otto Schenk - ۲ Düggelin - ۱

Kasimir u. Karoline - ۴ Dame Kobold - ۳

Horváth - ۵

کلن (آلمان) .

* «دزدان» اثر «شیلر» در «بورگ تآتر» وین و «یکبار دیگر هم آمده‌ایم» از «ویلدنر» در «آکادمی تآتر» وین .

* و بزرگترین کاراخیروی باهمکاری «کارایان» چندی پیش در فستیوال سالسبورگ بروی صحنه آمد . و آن «بوریس گودونوف» اثر جاودانی «موسور-کسکی» بود .

جای شکفتی نیست اگر چند اثر از کارهای اخیر «شنايدر - زیمسن» - از جمله «کاردیلاک» اثر «هیندمیت» که دراپرای دولتی مونیخ بروی صحنه آمد - توجه و رغبت تماشاگران و حتی برخی از ناقدان را جلب نکرده است . زیرا که قدرت درک و احساس، بسادگی دریافتنی نیست . و زیرا که شنايدر زیمسن نیز چون هر هنرمند پراز قریحه دیگر، بجستجوی «تازه»ها برخاسته است و بدنبال فرصت است تا در فضائی نو تر تنفس نماید .

ترجمه و نگارش: محمود خوشنام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی